

عوامل اجتماعی و خشونت خانوادگی در بین خانواده‌های شهر تبریز

*دکتر کامران صداقت

** جلال زرینیان

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی و شناخت تأثیر عوامل جمعیت شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تبیین خشونت خانوادگی می‌باشد. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی شده است به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که چرا در برخی از خانواده‌ها رفتارهای خشونت آمیز دیده می‌شود.

براین اساس فرضیه‌هایی از سه دیدگاه نظری از حوزه روانشناسی اجتماعی یعنی رویکرد روانکاوی، رویکرد رفتارگرایی و رویکرد شناختی و هم چنین از مطالعات و تحقیقات پیشین، جهت تبیین خشونت خانوادگی استخراج گردیده است. داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق پرسشنامه و با نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با حجم (pps) از یک نمونه ۳۸۴ نفری از سطح شهر تبریز گردآوری شد. برای دسته‌بندی مؤلفه‌های مربوط به خشونت خانوادگی از تحلیل عاملی اکتشافی، برای محاسبه پایایی گویه‌ها از آلفای کرونباخ و نیز برای آزمون فرضیه‌ها از تکنیک‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تفاوت میانگین (T-test) و آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید و در نهایت برای تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانوادگی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

نتایج حاصله نشان می‌دهد که خشونت خانوادگی با متغیرهای نوع خانواده، نوع ازدواج، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضعیت شغلی، سطح تحصیلات، سن و باورهای مذهبی رابطه معنی‌داری داشته است.

واژگان کلیدی: خشونت خانوادگی، عوامل اجتماعی، نوع خانواده.

* استادیار جامعه‌شناسی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

مقدمه

با وجود دگرگونی در ساختار خانواده و نقش‌های خانوادگی بی‌تردید خانواده هم چنان یکی از ارکان و نهادهای اصلی جامعه به شمار می‌رود. اهمیت خانواده از این رو است که نه تنها محیط مناسبی برای همسران به شمار می‌آید، بلکه وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز بر عهده دارد. اهمیت والای خانواده زمانی بهتر درک می‌گردد که به کارکردهای اساسی و بنیادین آن توجه نمائیم. یکی از این کارکردهای اصلی، تکوین و شکل‌دهی شخصیت‌های انسانها است. ایفای بهینه این کارکردها نه تنها برای بقای خانواده ضروری است بلکه برای تداوم جامعه و انسجام اجتماعی نیز ضروری می‌باشد. ولی با این وجود، در حال حاضر خانواده دچار آسیب‌هایی نظیر: طلاق، اختلافات زناشویی، خودکشی، کودکان فراری و خشونت خانوادگی شده است.

خشونت خانوادگی پدیده‌ای است که روابط سالم خانوادگی را که برای بقای و تحکیم خانواده لازم و ضروری است، متزلزل ساخته و بعضاً از بین می‌برد. ممکن است برخی افراد تعجب کنند، اما این واقعیت دارد که بیشتر خشونت‌ها در خانواده‌ها روی می‌دهد. به عنوان مثال آمریکائیان چنان در معرض خشونت‌های اعضای خانواده خود قرار دارند که خانواده را پس از پلیس و ارتش، خشن‌ترین نهاد اجتماعی نامیده‌اند. و برخی مدعی‌اند که خشونت خانوادگی مهم‌ترین مسئله اجتماعی است که امروزه آمریکائیان با آن دست به‌گریبانند.

بیان مسئله

یکی از پدیده‌هایی که مطالعه آن به سه حوزه جامعه‌شناسی، روانشناسی و فرهنگ بسیار مربوط است، خشونت و رفتارهای خشونت‌آمیز می‌باشد. رفتارهای خشونت‌آمیز را می‌توان در گستره وسیعی از حوزه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد تحقیق و مطالعه قرار داد.

در یک مطالعه پیمایشی که روی نمونه‌ای ۹۶۱ نفری از زنان ۱۹ تا ۹۰ ساله صورت گرفت مشخص شد که ۲۵٪ از آنها در زمان مصاحبه دچار آشفتگی روانشناختی بودند، ۲۲٪ آنها نشانه‌های شدید بیماری جسمانی داشتند و ۱۷٪ آنها گزارش کرده‌اند که در طول زندگی شان در معرض خشونت خانوادگی بودند. در میان زنانی که خشونت خانوادگی را تجربه کرده بودند، فهم این موضوع که زندگی شان در معرض خطر بوده و نیز تاثیر خشونت بر زندگی آنها، هر کدام بصورت معنی‌داری در تغییرپذیری مشکلات روانشناختی آنان نقش داشتند. ۱۲٪ همه موارد مشکلات روانشناختی و ۷٪ همه موارد بیماری شدید جسمانی به خشونت خانوادگی نسبت داده شده است. خشونت خانوادگی به صورت فزاینده‌ای یک مشکل جهانی برای بهداشت روانی محسوب می‌شود. و بهداشت روانی و جسمانی افراد به ویژه زنان و کودکان را بصورت جدی تحت تاثیر قرار می‌دهد. داده‌های موجود بیانگر آن است که ۲۰ تا ۵۰ درصد از زنان در بیشتر کشورها در دوره‌ای از زندگی خود در معرض خشونت خانوادگی قرار گرفته‌اند (Heise, Raikes, Watts, Zwi, 1994).

خشونت خانوادگی یک عامل خطر ساز مهم برای دامنه وسیعی از مشکلات بهداشتی در نظر گرفته شده است. از جمله پائین بودن وزن نوزادانی که هنگام تولد مادران شان در معرض خشونت همسران شان بودند (Bullock & Mc. Farlane, 1993).

بنابراین مطالعات اپیدمیولوژیک در این زمینه، در مورد این که چه کسانی، چگونه و با چه انگیزه و وسیله‌ای مورد خشونت و آزار قرار می‌گیرند و عوامل موثر بر آن چه چیزهایی می‌باشند، یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر برای پیشگیری و درمان این معضل اجتماعی به شمار می‌آید. چرا که باید دقت کرد که برای داشتن جامعه‌ای سالم و افرادی متعادل در جامعه، نمی‌توان بر روابط خشونت آمیز خانوادگی چشم بست. زیرا نتایج ناشی از رفتار خشونت‌آمیز خانوادگی بر قربانی، سبب می‌شود که او در روابط اجتماعی خود با دیگران رفتاری نابهنجار داشته باشد و حتی برای افرادی که از مقوله خشونت دورند و از آن ذهنیتی ندارند، مشکلاتی به وجود آورد. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان به اهمیت بررسی

موضوع خشونت خانوادگی پی برد، چرا که تنها با شناخت جامع و کامل این پدیده و هم چنین با شناسایی و شناخت عوامل دخیل در آن می‌توان آن را تحت کنترل در آورده و از آثار مخرب آن جلوگیری نمود و یا حداقل آن را کاهش داد. پس شناسایی مکانیزم‌های خشونت و عوامل مستعدکننده آن زمینه لازم را برای برنامه‌ریزی و داشتن جامعه و خانواده‌ای سالم فراهم می‌آورد بی‌شک با شناخت، تشخیص و تبیین دقیق عوامل مؤثر بر بروز خشونت خانوادگی، ممانعت از وقوع آن امکان پذیر خواهد بود.

تعاریف مفاهیم

خشونت: عملی است که با رفتارهای تهاجمی به خصوص از نظر جسمانی یا حداقل بیانی همراه گردد (حسینی، ۱۳۸۳). در این تحقیق خشونت عبارت است از برخورد فیزیکی یا روحی و یا زبانی با طرف مقابل و یا ایجاد موانع و محرومیت از دستیابی به حقوق و آزادی‌های فردی در حدودی که قانون و عرف یک جامعه آنرا مشروع می‌داند. به طور کلی خشونت خانوادگی اصطلاحی است شامل حالات مختلف سوء استفاده، بد رفتاری یا اهمال در انجام وظایف که بزرگسالان یا کودکان ممکن است در روابط صمیمی، خویشاوندی یا وابستگی با آنها مواجه شوند.

پای بندی به اعتقادات دینی: انجام اعمال و فرائض دینی و ضوابط مذهبی است که توسط گویه‌هایی که از پرسشنامه ارزش‌های شخصیتی (P.V.Q) ساخته شری و ورما (۱۹۹۴) استخراج شده اندازه‌گیری می‌شود. ایمان به خدا، تلاش در جهت شناخت خدا، ترس از غضب الهی و عمل کردن مطابق ضوابط مذهبی (شری و دیگری، ۱۹۹۴).

جنس: به تفاوت‌های بیولوژیک و آناتومیک که زنان را از مردان متمایز می‌سازد اشاره دارد (بیرو، ۱۳۷۷: ۲۱۲). در این پژوهش منظور از جنسیت مردان و زنان متأهل می‌باشد و در مقیاس اسمی مورد سنجش قرار گرفته است.

تحصیلات: به طی نمودن دوره‌های رسمی آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها گفته می‌شود.

سن ازدواج: سنی که برای زن و مرد عمل ازدواج صورت گرفته است.

مدت ازدواج: در این پژوهش تعداد سال هائی است که از زمان ازدواج تا هنگام اجرای پرسشنامه سپری گشته است.

میزان تحصیلات: عبارت است از اتمام موفقیت‌آمیز هر یک از دوره‌های رسمی آموزشی که از مقطع تحصیلات ابتدایی شروع و تا مقطع دکترا و بالاتر ادامه می‌یابد.

ترکیب خانواده: در این پژوهش نوع خانواده در سه سطح خانواده دو هسته‌ای بدون فرزند، خانواده هسته‌ای با فرزند و خانواده گسترده مورد سنجش قرار گرفته است که در نهایت به خانواده‌های هسته‌ای و گسترده تقسیم گردیده و در ارتباط با متغیر وابسته مورد سنجش قرار گرفته است.

میزان آزادی زوجین در انتخاب همسر: در این پژوهش نوع ازدواج پاسخگویان در چهار سطح مورد سوال قرار گرفته که در نهایت جهت تفکیک به دو مقوله ازدواج آزاد و یا ازدواج اجباری، سه مورد دوستی قبل از ازدواج، داشتن رابطه خانوادگی و ازدواج از طریق معرفی دوستان و آشنایان با هم ادغام شده به عنوان ازدواج غیراجباری تلقی گردیده است.

مبانی نظری

از نظر مفهومی واژه خشونت ناظر به نوعی شدت عمل در مقابل دیگران به مفهوم کلی اعم از فردی، جمعی، کلامی، رفتاری ایجابی و سلبی است (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۲).

خشونت معنای متقن و مشخصی ندارد، برای نمونه برخی از تعاریف از خشونت، تنها بر جنبه فیزیکی تأکید کرده، هر فعل یا رفتار تهدیدآمیزی را که به قصد ایراد صدمه فیزیکی یا ایجاد ترس از ایراد صدمه صورت گیرد و عملاً منتهی به ایراد صدمه و آسیب شود یا احتمال ایراد صدمه و آسیب را در پی

داشته باشد، در زمره رفتارهای خشونت آمیز محسوب می‌کنند. سازمان جهانی بهداشت در تعریف خود از خشونت بیان می‌دارد «خشونت استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارعاب یا تهدید بر خود یا دیگری است که علیه یک گروه یا جامعه صورت گرفته و منجر به آسیب جسمی مرگ یا آسیب روانی سوء رشد و تکامل یا محرومیت شود یا احتمال وقوع این نتایج متصور شود» (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

رویکرد رفتارگرایی - نظریه یادگیری اجتماعی^۱

اندیشه و ایده اصلی این رویکرد آن است که رفتار شخص محصول یادگیری‌های پیشین اوست. رفتار کنونی، شکل گرفته به وسیله تقویت‌های گذشته است. در هر موقعیتی شخص رفتارهای معینی را می‌آموزد که بر اثر تکرار ممکن است به صورت عادت درآیند. وقتی شخص دوباره در آن موقعیت قرار بگیرد، سعی خواهد کرد همان رفتار عادت شده خود را تکرار کند، نظریه‌های یادگیری در دهه‌های ۱۹۳۰ بر مبنای کارها و تحقیقات کسانی چون ایوان پاولوف^۲، فیزیولوژیست و روان‌شناس روسی در مورد شرطی شدن پاسخگو و بی‌اف اسکینر^۳، روان‌شناس آمریکائی در مورد شرطی شدن کنشگر محبوبیت و شهرت زیادی پیدا کردند. کاربرد این نظریه در مورد رفتارهای اجتماعی به وسیله آلبرت بندورا^۴، روان‌شناس کانادائی - آمریکائی منجر به ایجاد نظریه‌ای دیگر شد با نام نظریه یادگیری اجتماعیشد (کریمی، ۱۳۸۲: ۳۷). طبق نظر بندورا پرخاشگری کاملاً جنبه تقلیدی دارد و از راه مشاهده کسب می‌شود و نمی‌تواند پایه ذاتی داشته باشد (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۱۹).

خشونت بین والدین مدل و الگوئی برای یادگیری رفتار خشونت‌گرایانه است. بچه‌هایی که خشونت والدین را تجربه و مشاهده می‌کنند، خشونت در خانواده را به عنوان یک ابزار مناسب برای بیان خشم و کنترل رفتار دیگران

1- Social Learning Theory

2- Ivan Pavlov

3- B. F. Skinner

4- Bandura

می‌پذیرند. بنابراین از این دیدگاه، در خانواده‌هایی که اعضای آن در کودکی شاهد خشونت والدین بوده‌اند، احتمال بروز خشونت یا تن دادن به آن به مراتب بیشتر از خانواده‌های دیگر است.

بدین ترتیب مفروضات نظریه یادگیری اجتماعی در مورد خشونت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱- خشونت قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر است. ۲- خشونت می‌تواند از طریق مدل‌بندی (تقلید) یادگرفته شود. ۳- مطالعات زیادی در خصوص خشونت خانوادگی به ارتباط (مستقیم و غیرمستقیم) در دوران کودکی و خشونت در دوران بزرگسالی پی برده‌اند.

بوبرگمن در توضیح علت احتمال خشونت در تمامی خانواده‌ها بر نقش عوامل فردی تاکید می‌کند. او نشان می‌دهد که در خانواده‌هایی که اعضای آن خود در دوران کودکی در معرض خشونت قرار گرفته‌اند احتمال بروز خشونت یا تن دادن به آن، به مراتب بیشتر است (درویش‌پور، ۱۳۷۸: ۵۱).

نظریه پرخاشگری و خشونت

صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی در مورد پرخاشگری به دو دسته تقسیم شده‌اند گروهی که معتقدند پرخاشگری ذاتی و فطری است و گروهی که آن را حاصل عوامل اجتماعی و در نتیجه آموختنی می‌دانند.

تحقیقات لئونارد برکوویتز^۱ در مورد پرخاشگری نشان داده است که حتی مشاهده آلات و ابزار پرخاشگری می‌تواند در شخص مشاهده کننده حالت پرخاشگری را برانگیزد و نیز در مورد فرضیه ناکامی - پرخاشگری، محققان بعد از گزارش نتایج گروه بیل کوشیدند این آزمایش‌ها را دنبال کنند. اما بیشتر آزمایش‌ها نشان داد که پرخاشگری نتیجه حتمی و اصلی ناکامی نیست. در این مورد به تحقیقات بارکر^۲ دمبو^۳ لوین^۴ و سی‌یرز^۵ می‌توان اشاره کرد. هم چنین در نقاطی از جهان و در بعضی فرهنگ‌ها اصولاً چیزی به نام پرخاشگری وجود

1- Leonard Berkowitz
2- Barker
3- Dembo
4- Levine
5- Sears

ندارد. مثلاً به گفته اتوکلاين برگ در یکی از قبایل وقتی دو نفر با هم اختلاف یا نزاعی دارند، به جای جنگ و دعوا مراسمی انجام می‌دهند که به آن پتلاچ گفته می‌شود. بدین صورت که هر یک از آنها به خانه خود می‌روند و اموال خود را آورده و در بین افراد قبیله تقسیم می‌کنند. هم چنین در قبیله دیگری موارد اختلاف را با شعرگویی در حضور جمع و هجو کردن یکدیگر مطرح می‌کنند و قبیله داوری می‌کند که در این مشاعره چه کسی برنده شده است. برنده مشاعره طبعاً برنده دعوا شناخته می‌شود. به عبارت دیگر پرخاشگری در این موارد لاقلاً با ملاک همگانی بودن مطابقت نمی‌کند.

رویکرد روانکاوانه: نظریه ناکامی - پرخاشگری

دیدگاه انگیزشی

پرخاشگری می‌تواند معلول هر موقعیت ناخوشایند یا ملال انگیزی مثل خشم، درد و ... باشد، اما مهم ترین عامل در ایجاد پرخاشگری از میان همه عوامل، ناکامی است. اگر فردی در نیل به هدف خود با شکست مواجه شود، ناکامی حاصل، احتمال پاسخ پرخاشگرانه او را افزایش می‌دهد. معنای این مطلب این نیست که ناکامی همواره منجر به پرخاشگری می‌شود، یا این که ناکامی تنها علت پرخاشگری است (آرنسون، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

برطبق اعتقادات نظریه پردازان انگیزشی ناکامی یک علت اساسی پرخاشگری است که حالتی از انگیزختگی یا سائق را در شخص به وجود می‌آورد که در حضور قرینه‌های مناسب ظاهر می‌شود. در نتیجه برای کنترل باید به راه‌هایی بیندیشیم که می‌توانند ناکامی را کم کنند (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۲۶).

نظریه منابع

نظریه منابع یکی از اولین نظریه‌هایی بود که ویلیام گود در مورد خشنوت خانوادگی مطرح کرد، بر پایه این نظریه، نظام خانواده، مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظام اقتداری است و هرکس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی دارد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت

امیال خود وادارد (Borgata, 1992: p.461). به نظر گود افراد بسیار قدرتمند خانواده، کمتر از دیگران به اعمال قدرت از طریق خشونت بدنی دست می‌زنند، زیرا منابع متعدد دیگری دارند که از طریق آنها قادر به اعمال قدرت هستند. اما در میان افرادی که دارای ضعف اجتماعی - اقتصادی هستند، تنها منابع قدرت، زور بدنی و استفاده از آن است. در این نظریه اصل بر ثابت نگه داشتن ساختار خانواده است و برای این ثبات از منابع گوناگونی استفاده می‌شود که خشونت یکی از آنها است. وی هم چنین استدلال نمود که منابعی مانند موقعیت، منزلت اجتماعی، پایگاه فرد در بیرون از خانواده، شغل، اقتدار سیاسی و ... قدرت اعضای خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. زیرا طبقات اجتماعی مختلف و گروه های قومی، در دستیابی به منابع جایگزین تفاوت دارند. بنابراین اعضای طبقات پایین ممکن است بیشتر از طبقات دیگر تمایل به استفاده از خشونت خانوادگی به عنوان ابزاری جهت کسب قدرت در خانواده داشته باشند (طباخی، ۱۳۸۵).

نظریه کارکردگرایی

کارکردگرایان در مورد خشونت خانوادگی، در واقع توجیه کننده خشونت هستند. آنها خانواده را گروهی در نظر می‌گیرند که در آن، افرادی با جنسیت‌ها و گروه های سنی متفاوت، مدتی طولانی در ارتباط نزدیک با هم قرار می‌گیرند. برخلاف سایر گروه ها، در این گروه سلسله مراتب براساس تخصص، صلاحیت و لیاقت صورت نمی‌گیرد، بلکه براساس جنسیت، سن و قدرت اقتصادی و وجود علایق متفاوت در این گروه ناهمگون، سبب به وجود آمدن تضادهای آشکار و یا پنهان می‌شود. این تضادها، ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانوادگی را از بین می‌برد و در نتیجه باید آنها را از سر راه برداشت. رفع تضادهای خانوادگی با استفاده از وسایل قدرت در مواردی، از راه خشونت امکان پذیر می‌گردد. در این حالت خشونت سبب طبیعی شدن جریان زندگی روزمره می‌شود و خانواده به کارکردهای اساسی خود می‌پردازد که در آن مسئولیت زنان، انجام دادن وظایف

خانوادگی و مسئولیت اصلی مردان، برقراری ارتباط با جهان خارج و نان‌آوری است.

پارسونز بر تفکیک نقش‌های جنسیتی تأکید می‌کند و پدر را رئیس و مادر را مدیر داخلی خانواده می‌داند، در این مفهوم خشونت برای بقای خانواده کاربرد پیدا می‌کند (طباخی، ۱۳۸۵: ۵۲).

سؤال تحقیق

میزان بروز خشونت خانوادگی در پاسخگویان مورد مطالعه چه قدر است؟

فرضیه تحقیق

میزان بروز خشونت نسبت به پایگاه اقتصادی-اجتماعی، فقر، فاصله سنی زوجین، سن ازدواج زن و مرد، طول مدت ازدواج زوجین، ترکیب خانواده، پای بندی زوجین به اعتقادات دینی، آزادی زوجین در انتخاب همسر و تجربه خشونت در دوران کودکی، از سوی والدین پاسخگویان بستگی دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش که از نوع تحقیقات همبستگی با روش تحقیق کمی است برای تعیین میزان خشونت خانوادگی و گردآوری اطلاعات لازم جهت آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش^۱ استفاده گردیده که از نظر زمانی به روش مقطعی^۲ و از نظر دامنه تحقیق به صورت پهنانگر و از نظر وسعت خرد و از نظر هدف کاربردی است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق افراد بالای پانزده سال ساکن شهر تبریز می‌باشند که طبق آخرین مرکز آمار ایران در نیمه سال ۱۳۸۴ برابر ۷۳۳/۲۰۸ نفر بود. برای نمونه‌گیری از روش انتخاب نمونه بر حسب حجم^۳ یا همان به اختصار PPS

1- Survey metod
2- Cross Sectionol
3- Probability proportionate to size sampling

استفاده گردید که نوعی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به نام نمونه‌گیری با احتمال متناسب با حجم می‌باشد (بی، ۱۳۸۴: ۴۶۰).

روش تعیین حجم نمونه

برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران با دقت برآورد $d=0/05$ و حدکثر واریانس $pq=0/25$ حدود ۳۸۴ نفر نمونه انتخاب شدند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۳۸۳).

روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از روش مطالعات اسنادی (فیش برداری) برای بررسی سوابق، بررسی ماهیت مسئله و تعاریف مربوط و هم‌چنین برای چارچوب‌های تئوریک استفاده شده و برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از پرسشنامه، داده‌های لازم جمع‌آوری گردیده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای پژوهش حاضر پرسشنامه‌ای با ۵۵ سؤال طراحی گردید که ۲۸ سؤال مربوط به متغیرهای مستقل و ۲۷ سؤال مربوط به متغیر وابسته (خشونت در خانواده) بود. از ۲۷ سؤال مربوط به متغیر وابسته ۲ سؤال مربوط به مفهوم کلی خشونت بود. هم‌چنین ۴ سؤال مربوط به خشونت عاطفی ۴ سؤال مربوط به خشونت احساسی (بی‌اعتنائی)، ۵ سؤال مربوط به خشونت اجتماعی، ۴ سؤال مربوط به خشونت اقتصادی، ۴ سؤال مربوط به خشونت مذهبی و ۴ سؤال مربوط به خشونت جنسی بود.

نحوه سنجش متغیرها^۱ و سازه‌ها^۲

نحوه سنجش بروز خشونت در خانواده

بروز خشونت در شش بعد اصلی خشونت یعنی ۱- عاطفی ۲- احساسی (بی‌اعتنائی) ۳- جنسی ۴- اجتماعی ۵- اقتصادی ۶- مذهبی سنجیده شد و پس از تحلیل عامل‌ها خشونت عاطفی و احساسی و جنسی با ۱۴ سؤال و اجتماعی با ۵ سؤال، اقتصادی با ۴ سؤال و خشونت مذهبی نیز با ۴ سؤال که هر کدام نیز در مقیاس رتبه‌ای ۵ درجه‌ای طراحی شده بودند، دسته‌بندی و ارزیابی شدند. در نهایت نمره بروز خشونت از ترکیب نمرات خشونت عاطفی، جنسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی سنجیده شد و دامنه نمرات آن بین صفر تا ۱۰۰ تعیین گردید. یعنی صفر عدم بروز خشونت در خانواده و ۱۰۰ خشونت کامل در نظر گرفته شد.

$$۲۷- \text{جمع نمرات سؤالات } ۲۷ \text{ گانه} \\ \times ۱۰۰ = \frac{\text{بروز خشونت در خانواده}}{۱۳۵-۲۷}$$

نحوه سنجش پایگاه اقتصادی-اجتماعی

پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان طبق معیار شاخص پایگاه اقتصادی-اجتماعی نام-پاورز^۳ و با جمع رتبه‌های شغلی + رتبه تحصیلات + رتبه درآمد و محل سکونت در مقیاس رتبه‌ای محاسبه شد.

اعتبار سؤال‌ها از طریق تکنیک تحلیل عاملی و براساس ضرایب بارعاملی آنها در هر یک از سازه‌های زیربنایی تعیین شد.

پایایی سؤال‌ها نیز براساس آزمون آماری آلفای کرونباخ و پایداری درونی گویه‌ها محاسبه گردید. طبق اطلاعات جدول شماره (۱) پایایی سؤال‌ها مربوط به خشونت عاطفی، جنسی و عدم اعتناء به نیازهای زوجین نسبت به یکدیگر (بی‌اعتنائی) ۰/۹۶، خشونت اجتماعی ۰/۹۳، خشونت اقتصادی ۰/۸۴،

1- Variables
2- Constructs
3- Name_ Powers

عوامل اجتماعی و خشونت خانوادگی در بین خانواده‌های شهر تبریز

خشونت مذهبی ۰/۷۴ و اعتقادات دینی زوجین ۰/۷۶، به دست آمده است. که همه سازه‌های مورد بررسی از پایایی لازم برخوردارند، زیرا حداقل مقدار لازم برای پایایی سؤال‌ها ۰/۷ است (سرمد، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

جدول شماره (۱): پایایی سؤال‌ها و گویه‌ها

سازه	تعداد سؤال	میانگین سؤال	میانگین کوواریانس	مقدار آلفا
خشونت عاطفی	۱۴	۲/۲۷۷	۱/۱۵۷	۰/۹۶
خشونت اجتماعی	۵	۲/۱۶۷	۱/۱۵۰	۰/۹۳
خشونت اقتصادی	۴	۲/۳۶۱	۰/۹۷۵	۰/۸۴
خشونت مذهبی	۴	۱/۶۱۴	۰/۴۲۴	۰/۷۴
اعتقادات دینی زوجین	۵	۲/۴۶۳	۰/۵۰۵	۰/۷۶

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تفکیک و دسته‌بندی سؤال‌های مربوط به سازه بروز خشونت از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. هم‌چنین برای توصیف متغیرهای کیفی از شاخص‌های درصد و فراوانی و برای سنجش متغیرهای کمی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها نیز از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تفاوت میانگین مستقل T-test و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید که در نهایت برای تبیین عوامل مؤثر بر خشونت از رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها

در مقاله حاضر ۴۸/۳ درصد از پاسخگویان زن و ۵۱/۷ درصد مرد بودند که میانگین سن آنها $۳۴/۵۳ \pm ۸/۲$ با حداقل سن ۱۸ و حداکثر ۶۵ سال بود. از نظر تحصیلات ۰/۵٪ از پاسخگویان بی‌سواد، ۳/۱٪ دارای تحصیلات ابتدایی، ۶/۲٪ راهنمایی، ۶/۸٪ دبیرستان، ۲۸/۸٪ دیپلم، ۱۴/۸٪ فوق دیپلم، ۳۱/۷٪ لیسانس و ۸/۱٪ دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند.

۸۵/۲٪ از پاسخگویان مورد مطالعه نوع خانواده‌شان هسته‌ای بوده و ۱۴/۸٪ نیز در خانواده‌های گسترده^۱ زندگی می‌کردند. ۸۹/۱ پاسخگویان ازدواج شان غیراجباری و ۱۰/۴٪ نیز ازدواجی اجباری داشتند. مدت زمان طول ازدواج پاسخگویان $10/22 \pm 8/49$ سال با حداقل ۱ سال و حداکثر طول ازدواج ۴۵ سال بوده است.

وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد مورد مطالعه

در مطالعه حاضر وضعیت اقتصادی بر مبنای شغل، درآمد و میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه طبق شاخص رتبه گذاری پایگاه اقتصادی - اجتماعی نام - پاورز سنجیده شده است. که در نهایت ۲۳/۷٪ در طبقه پایین، ۵۳/۷٪ متوسط و ۲۲/۶٪ نیز در طبقه بالا قرار گرفتند.

توزیع پراکندگی میزان بروز خشونت در خانواده‌های مورد مطالعه

براساس اطلاعات جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود که متوسط میزان بروز خشونت در خانواده براساس اظهارات پاسخگویان برابر $27/74 \pm 20/90$ محاسبه گردیده که حداقل میزان بروز خشونت صفر و حداکثر ۹۶/۰۶ می‌باشد. و ضریب کجی (چولگی) $sk=0/717$ است که بیانگر مثبت بودن توزیع داده‌ها است. به طوری که ۲۵٪ پاسخگویان میزان بروز خشونت در خانواده را کمتر از ۱۰/۶۰، ۲۵٪ بین ۱۰/۶۰-۲۲/۴۷، ۲۵٪ بین ۲۲/۴۷-۴۲/۸۵ و ۲۵٪ نیز بیش از ۴۲/۸۵ اظهار کرده‌اند که در مجموع می‌توان گفت میزان بروز خشونت در خانواده کمتر از حد متوسط می‌باشد.

۱- در این پژوهش منظور از خانواده گسترده، خانواده هسته‌ای به همراه یک یا هر دو والدین مرد یا زن خانواده می‌باشد.

عوامل اجتماعی و خشونت خانوادگی در بین خانواده‌های شهر تبریز

جدول شماره (۲): توزیع پراکندگی میزان بروز خشونت در خانواده‌های مورد مطالعه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	انحراف چارک ها		
							چارک اول	چارک دوم	چارک سوم
خشونت	۳۸۵	۲۷/۷۴	۲۰/۹۰	۰/۷۱۷	۰	۹۶/۰۶	۱۰/۶۰	۲۲/۴۷	۴۲/۸۵

جدول شماره (۳): توزیع پراکندگی میزان بروز انواع خشونت در بین خانواده‌های مورد مطالعه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
خشونت اقتصادی	۳۸۵	۳۴/۰۴	۲۶/۷۹	۰/۷۵۳	۰	۱۰۰
خشونت عاطفی	۳۸۵	۳۱/۹۲	۲۷/۴۱	۰/۷۳۱	۰	۹۴/۶۴
خشونت اجتماعی	۳۸۵	۲۹/۶۶	۲۷/۳۳	۰/۹۳۳	۰	۱۰۰
خشونت مذهبی	۳۸۵	۱۵/۳۵	۱۸/۹۰	۱/۷۶۴	۰	۱۰۰

فرضیه: میزان بروز خشونت به پایگاه اقتصادی- اجتماعی، فقر، فاصله سنی زوجین، سن ازدواج زن و مرد، طول مدت ازدواج زوجین، ترکیب خانواده، پای بندی زوجین به اعتقادات دینی، آزادی زوجین در انتخاب همسر و تجربه خشونت در دوران کودکی از سوی والدین پاسخگویان بستگی دارد.

بر اساس آزمون رگرسیون چندمتغیری به روش (گام به گام) و مطابق با جدول شماره (۴) در تبیین میزان بروز خشونت در خانواده از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود در فرضیه، ملاحظه می شود ضریب همبستگی چندگانه برابر $R^2=0/53$ و ضریب تبیین برابر $R^2=0/28$ و ضریب تبیین خالص برابر $R^2=27$ می‌باشند. یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی دار موجود در مدل تا حدود ۲۷ درصد از واریانس خشونت خانوادگی در پاسخگویان را می‌توان تبیین کرد. در مجموع طبق اطلاعات جدول شماره (۵) و با توجه به ضرایب بتاهای غیراستاندارد ملاحظه می‌شود که با مقدار ثابت (α) برابر $a=-1/92$ ، نوع ازدواج با $\beta=27/53$ ، تعداد افراد خانواده با $\beta=2/16$ ، سن پاسخگویان هنگام ازدواج با $\beta=0/47$ ، و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با $\beta=-6/14$ در تبیین میزان بروز خشونت سهم معنی‌داری دارند.

در نهایت با حذف مقدار ثابت آلفا (α) از طریق استاندارد کردن مقادیر متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود که به ترتیب نوع ازدواج با $\beta=0/406$ ، تعداد افراد خانواده با $\beta=0/132$ ، سن پاسخگویان هنگام ازدواج با $\beta=0/09$ تاثیر مثبت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با $\beta=-0/2$ بیشترین تاثیر منفی را در پیش‌بینی بروز خشونت در خانواده پاسخگویان مورد مطالعه دارند.

هم چنین شکل رگرسیونی تبیین شده براساس آزمون تحلیل واریانس، خطی است زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر میزان بروز خشونت برابر $36/77$ با سطح معنی‌داری $P=0/000$ می‌باشد.

جدول شماره (۴): تبیین میزان خشونت خانوادگی براساس پایگاه اقتصادی- اجتماعی، فقر، فاصله سنی زوجین، سن ازدواج، طول مدت ازدواج زوجین، ترکیب خانواده، پابندی زوجین به اعتقادات دینی، آزادی در انتخاب همسر و تجربه خشونت در دوران کودکی

شاخصهای آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد
مقادیر	0/534	0/285	0/277	17/83157

جدول شماره (۵): ضرایب متغیرهای مستقل باقیمانده در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

Sig.	t	ضرایب استاندارد شده		متغیرها
		Beta	Std.Error	
0/225	-1/21		7/34	مقدار ثابت
0/000	8/45	0/406	3/25	نوع ازدواج
0/000	-4/04	-0/2	1/51	پایگاه اجتماعی- اقتصادی
0/006	2/75	0/132	0/785	تعداد افراد
0/042	2/03	0/099	0/232	سن هنگام ازدواج

متغیر وابسته: خشونت خانوادگی

نتیجه‌گیری

با توجه به این که هدف عمده، تبیین خشونت خانوادگی و بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بود. بنابراین در یافته‌های تحقیق حاضر که به صورت پیمایشی اجرا شد مشخص گردید که میزان خشونت خانوادگی در بین افراد مورد مطالعه برابر $27/74$ با انحراف استاندارد $20/90$ می باشد که این میزان از خشونت از داده‌هایی به دست آمده که حداقل آن صفر تا حداکثر $96/06$ از 100 بوده‌اند. از آن جایی که این میزان از خشونت بسیار پایین تر از حد متوسط می باشد می‌توان گفت خشونت در بین خانواده های تبریز در حد مطلوبی است.

هم چنین نتایج حاصله حاکی از این است که بیشترین نوع خشونت در بین خانواده های تبریز به ترتیب مربوط به خشونت اقتصادی به میزان $34/04$ با انحراف استاندارد $26/79$ (از حداقل صفر تا حداکثر 100)، خشونت عاطفی به میزان $31/92$ با انحراف استاندارد $27/41$ (از حداقل صفر تا حداکثر $96/64$)، خشونت اجتماعی به میزان $29/6$ با انحراف استاندارد $27/23$ (از حداقل صفر تا حداکثر 100) و کمترین آن مربوط به خشونت مذهبی به میزان $15/53$ با انحراف استاندارد $18/9$ (از حداقل صفر تا حداکثر 100) محاسبه گردیده است.

در مورد بالا بودن میزان خشونت اقتصادی به نظر می‌رسد یکی از عوامل عمده آن، شرایط اقتصادی جامعه و نظام توزیع ثروت می‌باشد که از یک سو محدودیت در درآمد بسیاری از افراد را موجب می‌شود و از طرف دیگر تورم و گرانی در کنار افزایش ارزش های اشرافی و روحیه اسراف و تبذیر ثروتمندان و متمولین، که در بین افراد طبقات متوسط و پایین جامعه احساس نیازهای کاذب را باعث می‌گردد، فشار اقتصادی مضاعفی را در بین افراد ایجاد نموده و به عامل تنش و برخورد در بین افراد خانواده منجر می‌گردد. هم چنین پایین بودن میزان خشونت مذهبی زمانی که به میزان اعتقادات و باورهای مذهبی افراد مورد مطالعه توجه شود، معنی‌دار می‌گردد. چرا که نمره متوسط میزان اعتقادات و باورهای مذهبی افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که آنان از اعتقادات مذهبی

بالتر از حد متوسط برخوردارند. در نتیجه می‌توان گفت به دلیل باورهای این افراد در خانواده‌های مورد مطالعه خشونت مذهبی کمتری دیده می‌شود. هم‌چنین میزان کمی از خشونت‌های خانوادگی مربوط به فاصله سنی زوجین بود. به عبارتی هرگاه در برخی از موارد فاصله سنی زوجین به علت عدم تفاهم ناشی از تفاوت سنی و نیازهای خاص افراد در سنین مختلف موجب بروز رفتارهای خشونت‌آمیز می‌گردد، اما در بسیاری از موارد شاید به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی و نیز هم‌نوائی روانی افراد با این وضعیت که معمولاً در جامعه ما تبعیت زنان جوان از شوهران مسن‌تر از خودشان را توجیه می‌کند موجب پایین بودن میزان همبستگی فوق است.

براساس یافته‌های این پژوهش، بین طول مدت ازدواج با بروز خشونت رابطه‌ای هر چند ضعیف ولی مثبت وجود داشت. چرا که ضریب همبستگی پیرسون برابر $r=0/31$ با سطح معنی‌داری $p=0/000$ محاسبه گردیده است. در تبیین این رابطه می‌توان گفت با این که به نظر می‌رسد که با افزایش مدت زندگی مشترک می‌بایستی به دلیل افزایش سازگاری بین زوجین خشونت در بین این افراد کمتر شود ولی احتمالاً به علت عدم حل برخی از مشکلات بین زوجین و نهادینه شدن آن در روابط بین آنها، نوعی از خشونت، یعنی خشونت احساسی (بی‌اعتنایی) با افزایش زمان زندگی مشترک آنها افزایش یابد. در نتیجه هر چند در این خانواده‌ها مشکلات حادی از نظر رفتار خشونت‌آمیز دیده نمی‌شود ولی روابط مناسبی هم حاکم نیست و زوجین با این که از نظر روحی و روانی در وضعیت مناسبی نیستند اما به دلیل هم‌نوائی با هنجارهای اجتماعی که ادامه زندگی مشترک آنان را می‌خواهد در یک وضعیت انفعالی با روابط سرد و خالی از شادابی و طراوت به زندگی خود ادامه می‌دهند.

بین پای بندی به اعتقادات دینی و بروز خشونت در خانواده رابطه همبستگی معنی‌داری دیده نشد، به غیر از رابطه ضعیفی که بین خشونت مذهبی و خشونت در خانواده وجود داشت. در این خصوص می‌توان گفت به دلیل اهمیتی که مذهب و اعتقادات دینی در جامعه ما دارد معمولاً بین زنان و مردانی

که باهم ازدواج می‌کنند، همگونگی اعتقادی زیادی وجود دارد و افراد به این مسئله با دقت نگاه می‌کنند. در نتیجه کمتر دیده می‌شود زوجین در عقاید دینی خود اختلاف عمیقی داشته باشند تا موجب تنش در روابط خانوادگی آنان باشد. هم چنین تفاوت میزان بروز خشونت در خانواده بر اساس نوع ازدواج پاسخگویان معنی‌دار است و این میزان در بین کسانی که ازدواج اجباری داشتند به مراتب بیشتر از افرادی است که ازدواج غیراجباری داشتند. در تبیین این مسئله می‌توان گفت از آن جایی که در ازدواج های اجباری که ازدواج های مصلحت اندیشانه را هم می‌توان مشمول آن دانست، علایق عاطفی و روحی و منافع خود فرد در نظر گرفته نمی‌شود. و تنها به خاطر برخی هنجارها و آداب و رسوم غلط اجتماعی و یا منافع مادی، این گونه وصلت‌ها انجام می‌گیرد. بنابراین از آغاز زندگی مشترک زوجین، همواره یکی از آنها (که بیشتر زنان را شامل می‌شود) دچار ناکامی شدیدی می‌گردند که خواه ناخواه در روابط آتی آنها در خانواده تأثیرات منفی شدیدی خواهد داشت.

تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهند که بین طبقه اجتماعی افراد و بروز اعمال خشونت‌آمیز در خانواده رابطه وجود دارد. چنان چه میزان متوسط اعمال خشونت‌آمیز در پاسخگویان طبقه پایین بیشتر از سایر طبقات می‌باشد. بنابراین با توجه به مطالب مربوط به نظریات ناکامی پرخاشگری در تبیین این مسئله می‌توان گفت که به دلیل محرومیت های زیادی که در طبقه پایین جامعه نسبت به سایر طبقات وجود دارد، افراد متعلق به این طبقات نمی‌توانند با امکانات موجود خود به منابع و موقعیت های مورد انتظار خود دست یابند. بنابراین در نتیجه ناکامی در تحقق خواسته‌های شان، روحیه‌ای پرخاشگر پیدا می‌کنند و چون در درون خانواده، ابراز خشونت هزینه پایین‌تری دارد، خشونت خانوادگی در این طبقات بیشتر به چشم می‌خورد. (خشونت در محیط‌های خارج از خانه مانند محیط کار و محیط‌های دیگر اجتماعی دارای عواقب و تبعات سنگینی است. از جمله الزام به پرداخت خسارات و هم چنین

در حالت حادثه تا حبس و زندانی شدن توسط نظام رسمی کنترل اجتماعی پیش می‌رود.

معمولاً تنش‌های موجود در خانواده‌های طبقات متوسط و بالا با بروز خشونت‌های غیرفیزیکی همراه است، چرا که سطح آگاهی این افراد در رفتار آنها و سلیقه‌شان تاثیر دارد، در حالی که در خانواده‌های طبقات پایین خشونت بیشتر به صورت فیزیکی نمود پیدا کرده و توسط قوی‌ترها نسبت به ضعیف‌ترها و با استفاده از زور و قوای بدنی اعمال می‌شود، به طوری که مرد خانواده زن و کودکان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد و زن ممکن است در اثر فشارهای موجود کودکان را مورد آزار قرار دهد و هم چنین کودکان خردسال‌تر در معرض خشونت برادران و خواهران بزرگتر از خود قرار گیرند.

افزایش هزینه‌های اقتصادی برای خانواده‌هایی که توانایی مادی محدودی دارند شرایط تنش‌زایی را می‌تواند ایجاد نماید، اما در مورد چگونگی ارتباط بین افزایش روابط متقابل و بروز خشونت می‌توان چنین استدلال نمود که چون در اثر افزایش تعداد افرادی که در کنش متقابل با یکدیگرند تعداد روابط بین آنها به صورت تصاعدی افزایش یافته و این امر در کنترل روابط و منافع افراد پیچیدگی زیادی به وجود می‌آورد، در نتیجه امکان ایجاد تنش زیادتر می‌گردد. زیرا مثلاً علی‌رغم تلاش پدر و مادر برای ایجاد محیطی صمیمی و عادلانه در صورتی که برخی از فرزندان در خانواده به اشتباه تصور و یا احساس نمایند مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته‌اند نسبت به دیگران رفتار خشونت‌آمیز خواهند داشت. (هر چند برخی از افراد از نظر ویژگی‌های شخصیتی به گونه‌ای هستند که به جای پرخاشگری نسبت به دیگران نسبت به خود بدرفتاری کرده و منزوی می‌شوند.) اما در مورد رابطه بین افزایش تعداد افراد خانوار و بروز خشونت، در خانواده‌هایی که یک یا هر دو والدین مرد یا زن خانواده (که در خانواده‌های ایرانی بیشتر والدین مرد خانواده را شامل می‌شود) به همراه خانواده زندگی می‌کنند. بر طبق نظریات شناختی، شناخت و آگاهی افراد به گونه‌ای است که مثلاً در فرهنگ سنتی ما، مادر مرد، همسر پسرش را رقیبی

می‌بیند که حضور وی موجب سردی روابط بین مادر با فرزندش می‌گردد و هم‌چنین از سوی دیگر زنان نیز مادران همسران شان را به عنوان مانعی برای صرف وقت و توجه مرد به خانواده خود می‌دانند. در نتیجه زمانی که از نظر مکانی این دو فرد در یک خانه زندگی نمایند تنش‌ها افزایش خواهد یافت. هم‌چنین محدودیت‌هایی که از تفاوت سنی و نیازهای خاص آنان ناشی می‌شود، به ویژه زمانی که والدین مرد یا زن خانواده از سلامت جسمی کمی هم برخوردار باشند و به عنوان سربراز از سوی دیگر افراد خانواده تلقی شوند، مشکلات و التهاب در خانواده را افزایش خواهد داد.

یافته‌ها نشان می‌دهد فقر در بروز خشونت در خانواده نقش اساسی دارد. در تبیین چگونگی تأثیر این عامل می‌توان به نظریه ناکامی - پرخاشگری اشاره نمود که نشان می‌دهد افراد به دلیل عدم دسترسی به منابع لازم در وضعیت نامطلوب روانی قرار می‌گیرند و در نتیجه در این شرایط تحت تأثیر فشار ناشی از ناکامی از خود رفتار پرخاشگرانه بروز می‌دهند.

نتایج به دست آمده از ارتباط وضعیت شغلی و بروز خشونت در خانواده جالب توجه است. چرا که انتظار می‌رفت که خشونت خانوادگی در بین بیکاران بیشترین میزان و در بین بازنشستگان کمترین میزان را نشان دهد، ولی نتایج تحقیق حاضر کاملاً عکس این موضوع را نشان می‌دهد و شاید در تبیین این مسئله بتوان گفت که چون از یک طرف افرادی که بیکار هستند به دلیل ضعف موقعیت شان دارای روحیه محافظه کار و سازشکارانه‌ای می‌شوند و از طرف دیگر خانواده این افراد برای کاهش فشار بر روی این افراد که در شرایط بدی قرار دارند با آنها به ملایمت و نرمی رفتار می‌کنند. و اما در نقطه مقابل رفتار آنان، بازنشستگان که بعد از سال‌ها خوگرفتن به محیط کار یک باره از آن جدا می‌شوند، به دلیل خلاء به وجود آمده ناشی از تغییر شرایط و برای جبران فشار ناشی از این تغییر وضعیت، آن را با روحیه نقادانه و پرخاشگرانه نسبت به افراد خانواده جبران می‌نمایند. (باید توجه داشت که معمولاً بازنشستگان از امکان اعمال اقتداری که در محیط کار داشتند در بازنشستگی محروم می‌شوند و شاید

این محرومیت موجب پرخاشگری آنان می‌شود.) و اما در جواب این که چرا زنان شاغل نسبت به خانه‌دارها، کمتر دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند می‌توان گفت که خانم‌های خانه‌دار به دلیل قرار گرفتن در یک محیط یکنواخت دچار نوعی از احساس افسردگی می‌گردند در حالی که برای شاغلین زن این وضعیت کمتر وجود دارد و نیز شاغلین به دلیل داشتن درآمد می‌توانند به اراده خود، درآمد خود را هزینه کنند، در حالی که وابستگی مالی خانه‌داران به شوهران شان دلیل دیگری است که باعث به وجود آمدن شرایط تنش‌زا است.

دستاوردهای تحقیق

تلاش برای بررسی و شناخت ابعاد مسئله خشونت خانوادگی کار جدیدی است، به ویژه در ایران که بررسی منابع و مدارک موجود، کم بودن پژوهش و تحقیقات در این زمینه را به خوبی نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که چنین تحقیقاتی علاوه بر این که در برخی مواقع می‌توانند در کشف بعضی از روابط موجود متمرثر باشند، در بسیاری از موارد افق‌هایی را برای تحقیقات بعدی روشن می‌سازند که شاید از یافته‌های خود پژوهش اهمیت بیشتری داشته باشد. یکی از نکات مهم این پژوهش که می‌توان ویژگی خاص آن به حساب آورد، مؤلفه‌بندی پدیده خشونت خانوادگی است. چرا که برای شناخت یک پدیده می‌بایست ویژگی‌ها و ابعاد مسئله به صورت دقیق مطالعه شود، و لازم است آن پدیده نه به عنوان یک مفهوم مجرد، بلکه به صورت یک ساختار مورد تحقیق قرار گیرد. چنین تلاش‌هایی می‌توانند در جهت رفع ابهامات موجود بسیار راهگشا باشد. در زمینه خشونت خانوادگی نیز این مسئله کاملاً مشهود است چرا که در تحقیقات قبلی همواره مسئله خشونت ملازم با برخوردهای فیزیکی (ضرب و شتم و ایجاد جراحت، حتی تا حد مرگ قربانی) بود، در حالی که بسیاری از شواهد موجود نشان می‌دهد که قبل از رسیدن به وضعیت برخوردهای فیزیکی، ابعاد دیگری از خشونت مانند خشونت اقتصادی، اجتماعی یا روانی زمینه ساز وقوع چنین حالت‌های حادی بوده است.

بنابراین برای ریشه‌یابی و حل این معضل می‌بایستی عوامل مجرد دخیل در این پدیده مورد شناسائی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند، چنان‌چه در این تحقیق سعی در شناسائی ابعاد و ویژگی‌های این مسئله شده، بنابراین می‌توان گفت دستاورد اصلی این پژوهش، مؤلفه‌بندی پدیده خشونت خانوادگی بود.

محدودیت‌های تحقیق

هرچند مطالعه خانواده سابقه‌ای طولانی دارد اما مطالعه برخی از ابعاد این نهاد مهم و کهنسال اجتماعی جدیداً مورد توجه اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعه و شناخت پدیده خشونت خانوادگی اشاره کرد.

هرچند این موضوع مورد توجه محققان واقع شده اما متأسفانه هنوز هم و به ویژه در ایران مطالعات کمی در این خصوص انجام گرفته است، بنابراین یکی از مشکلات و محدودیت‌های این کار به کمبود منابع مناسب در این زمینه مربوط می‌گردد.

هم‌چنین به دلیل حساسیت‌های خاص فرهنگی موجود در ایران بحث در زمینه حوزه‌های خصوصی مانند محیط خانواده و روابط اعضای آن با یکدیگر برای برخی افراد مانند تابو است. در نتیجه در این زمینه همکاری بسیار کمی از سوی پاسخگویان وجود داشت. به ویژه افراد طبقات پایین و افرادی که دارای تحصیلات کمی بودند و هم‌چنین زنان همکاری بسیار کمی با پرسشگران داشتند. (شایان ذکر است که بیش از صد پرسشنامه مربوط به پاسخگویان طبقه پائین و زنان به دلیل نواقص و اشکالات زیاد حذف شدند).

پیشنهادها

با توجه به اهمیت مطالعه این پدیده و هم‌چنین با توجه به تجاربی که در این مطالعه به دست آمد، پیشنهاد می‌گردد یک تحقیق جامع برای شناسایی عوامل مؤثر در خشونت خانوادگی و مکانیسم تاثیرگذاری آن صورت گیرد تا ابعاد این موضوع به صورت دقیق‌تری مورد شناسایی قرار گیرد.

از آن جایی که چنین مطالعاتی به دلیل گستردگی و هزینه‌های آن، خارج از حدود پایان‌نامه‌های دانشگاهی است، بنابراین پیشنهاد می‌گردد که سازمان‌های دولتی دخیل در این موضوع مبادرت به انجام چنین پروژه‌هایی نمایند.

منابع

- ۱- آرنسون. ۱۳۸۵، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: شکرکن، نشر رشد.
- ۲- بی، ا. ۱۳۸۴، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: رضا فاضل، تهران، نشر سمت.
- ۳- بیرو، آ. ۱۳۷۵، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان، چاپ سوم.
- ۴- حسینی، ا. ۱۳۸۳، کتاب زنان، شماره هفتم، انتشارات شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.
- ۵- درویش‌پور، م. ۱۳۷۸، چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند؟ مجله زنان، سال هشتم، شماره: ۵۶.
- ۶- رفیع‌پور، ف. ۱۳۷۷، کندوکاوها و پنداشته‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم.
- ۷- سازمان جهانی بهداشت، انجمن آموزش بهداشت و ارتقای سلامت خانواده. ۱۳۸۰، خشونت علیه زنان، مترجم: رفیعی فر و دیگری، تهران، نشر تندیس، چاپ اول.
- ۸- سرمد، ز و دیگران. ۱۳۸۵، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر اگه، چاپ دوازدهم.
- ۹- شاملو، س. ۱۳۷۸، بهداشت روانی، تهران، نشر رشد.
- ۱۰- شری، ج و دیگری. ۱۹۹۴، پرسشنامه ارزشهای شخصیتی (P. V.Q)، مترجم: ابوالفضل کرمی، جزوه آموزشی شرکت روان تجهیز سینا.
- ۱۱- صدیق سروستانی، ر. ۱۳۸۵، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آن.
- ۱۲- فرجاد، م. ۱۳۶۳، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، نشر بدر.

۱۳- کریمی، ی. ۱۳۸۲، روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران، انتشارات ارسباران، چاپ یازدهم.

۱۴- کریمی، ی. ۱۳۷۳، روان‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات پیام نور.

۱۵- طباطبائی، ا. ۱۳۸۵، بررسی جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر اورمیه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.

۱۶- طاهری بجد، م. ۱۳۸۱، جایگاه خشونت در حقوق کیفری، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

17- Borgata, E. F., 1992, **Encyclopedia of sociology**, vol 1-4.

18- New Zealand Journal of Psychology. Dec 2000, by Kanzantzis, Nikolaos, Flett, Ross. A, et al. **Domestic violence, psychological distress, and physical illness among New Zealand women.**